

«هرگونه محدودیتی که در قانون برای آزادی بیان تعیین شود، به وسیله‌ای برای سرکوب اندیشه‌ها و آثار مخالف بدل می‌گردد و به همین سبب است که آزادی قلم باید از دسترس حکومت‌ها بیرون باشد. اگر در قانون به دولت اجازه داده شود که محدودیتی برای آزادی بیان قایل شود، در واقع دولت می‌تواند هر وقت که لازم دید به بهانه همین محدودیت‌ها، هرگونه منعی را بر بیان اندیشه‌ها و آثاری که به گمان خودش نامطلوب و زیان‌بار هستند به صورت قانونی تحمیل کند. بنابراین آزادی اندیشه و بیان و نشر نباید به هیچ وجه محدود، مقید و مشروط شود. آزادی انتقاد، آزادی ابراز عقاید مخالف، هر قدر هم به نظر عده‌ای ناپسند، زیان‌بخش و انحرافی باشد، در جامعه مدنی دموکراتیک باید به طور مطلق باقی بماند. ... بدا به حال حکومتی که ملتش با اختناق و سانسور از انحراف و فساد «محفوظ» بماند... فقط کسانی با آزادی بی قید و شرط بیان، مخالف هستند که ریگی به کفش خود دارند و از آگاه شدن مردم و آشکار شدن همه واقعیات می‌هراسند»
محمد جعفر پوینده، یکی از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۱۳۷۷

یک سال از قتل نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران گذشت، جنایتکاران اصلی هنوز آزادند

مردم، روشنفکران، روزنامه‌نگاران، خانواده‌های قربانیان جنایات شوم پاییز ۷۷:

علی فلاحیان را دستگیر کنید، او باید پاسخگو باشد!



دستگیری عناصر قتل‌ها به نگاه عالی‌ترین مقام قضایی کشور خواستار شناسایی و دستگیری عاملان و طراحان قتل‌ها می‌شود. پس از آن شاهد اظهارات متناقض آقای نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح هستیم... برای ما و همه مردمی که قلبشان در راه آزادی و سرزمین و همنوعان‌شان می‌تپد، انگیزه مرتکبان این قتل‌ها کاملاً ادامه در صفحه ۳

برخوردهای پرابهام مسئولان در ارتباط با موضوع قتل‌ها، پرده ساتری بر علت‌های وجودی اعمال خشونت‌بار است. یک روز می‌گویند که قتل‌ها محفلی بوده است اما پس از مدتی به دنبال ردی از یک شبکه در خارج از مرزها می‌گردند. بار دیگر می‌گویند تمامی آمران و عاملان این قتل‌ها دستگیر شده‌اند، اما پس از مدتی و مدت‌ها پس از اعلام شناسایی و

مصاحبه‌هایی که روزنامه خرداد با آن‌ها ترتیب داد، به سیاست دفع‌الوقت دستگاه قضایی کشور اعتراض کردند و خواهان دستگیری و محاکمه علنی همه جنایتکاران شدند.

صفا پوینده:
ریشه جنایات باید خشکانده شود
خانم صفا پوینده، خواهر محمدجعفر پوینده در گفتگو با روزنامه خرداد گفت:

و اظهارنظرهای خانواده‌های قربانیان این جنایت شوم، یک سخن‌گاو با صدای رسا و گاه به آرامی زمزمه می‌شود: علی فلاحیان را دستگیر کنید، او مسئول است، او باید پاسخگو باشد!

همزمان با فرارسیدن سالگرد این فاجعه هولناک و تکان‌دهنده خانواده‌های قربانیان جنایت دستگاه مخوف اطلاعاتی جمهوری اسلامی در

آیین‌های بزرگداشت یکمین سالگرد مرگ قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای این هفته در شرایطی در تهران برگزار شد که هنوز مسبب اصلی این جنایات به مردم معرفی نشده‌اند و بنا بر تاکید روزنامه‌نگاران مطلع، تنها عوامل درجه هفتم و درجه هشتم قتل‌ها را بازداشت کرده‌اند. در این آیین‌ها که با حضور هزاران نفر از مردم تهران برگزار شد، در روزنامه‌ها، در مصاحبه‌ها

ارزاز نگرانی‌های گسترده از روند رسیدگی به پرونده جنایت علیه نویسندگان و آزادی‌خواهان کشور

جبهه مشارکت اسلامی: شدیداً نگرانیم!

● در طول تاریخ انقلاب اسلامی پرونده‌ای به این پایه از اهمیت در سطح ملی مطرح نبوده است. این پرونده برای پیگیری نیازمند اراده قدرتمند سیاسی و قضایی برای کشف حقیقت بوده و روند کندی که امروز در این باب مشاهده می‌شود ناشی از فقدان چنین اراده قدرتمندی در سازمان قضایی نیروهای مسلح است.

در صفحه ۳

اکبر گنجی: پرونده قتل‌ها در مسیر کشف حقیقت نیست!

گنجی: هر تبیینی برای اینکه به حقیقت نزدیک شود باید کلیه قتل‌های ماقبل دوم خرداد را نیز دربر بگیرد
تنها راه پیشرفت در پرونده قتل‌ها دستگیری «شاه کلید تاریک خانه اشباح» است
علوی تبار: سعید امامی نفر هفتم بوده است، نقش فعال‌تر را شخصی با نام مستعار «صادق» داشته است

در صفحه ۴

ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اسامی کاندیداهای خود برای تهران را اعلام کرد

علی حکمت عضو ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران

اگر شورای نگهبان کاندیداهای ما را رد کند از مردم خواهیم خواست که به آن‌ها رای بدهند

ایران فردا؛ ۷- عباس عبیدی (عضو شورای سردبیری روزنامه صبح امروز)؛ ۸- شهلا شرکت (مدیر مسئول ماهنامه زنان)؛ ۹- اعظم طالقانی (مدیرمسئول هفته‌نامه پیام هاجر)؛ ۱۰- سیدهاشم آغاچری (استاد دانشگاه و عضو تحریریه هفته‌نامه عصر ما)؛ ۱۱- اکبر گنجی (محقق و مدیر مسئول هفته‌نامه راه نو)؛ ۱۲- محمد طیبیان

۱- عبدالله نوری (مدیر مسئول روزنامه خرداد)؛ ۲- محسن کدیور (محقق، مدرس و نویسنده)؛ ۳- عبدالکریم سروش (نظریه پرداز، مدرس و نویسنده)؛ ۴- محمد مجتهد شبستری (اسلام شناس، مدرس و نویسنده)؛ ۵- محمد موسوی خویینی‌ها (مدیرمسئول روزنامه توقیف شده سلام)؛ ۶- عزت‌الله سجایی (مدیرمسئول هفته‌نامه

«ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران» روز ۲۴ آبان ماه، با انتشار لیست کاندیداهای خود برای مجلس ششم، موجودیت خویش را اعلام کرد. در فهرست ۳۳ نفره این ائتلاف برای تهران که میان جریان روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب شکل گرفته است، این اسامی به چشم می‌خورد:

عبدالله نوری در آخرین دفاع:

تفکر حذف، چون مور یانه‌ای به جان کشور افتاده است

نوری قطعی است و اکنون دادگاه باید در مورد سبیزان این محکومیت تصمیم بگیرد.
در عین حال گزارش‌های تأیید شده، از مذاکرات پشت پرده در مورد سرنوشت این دادگاه خبر ادامه در صفحه ۱۰

محافظه کار و ضد آزادی هستند و برخی از آن‌ها حتی در قتل‌های پاییز گذشته دست دارند، با نظر خود، راه را برای محکومیت عبدالله نوری هموار ساختند. مطابق نظر اعلام شده از سوی هیات منصفه، محکومیت عبدالله

● دادگاه مانع از ایراد آخرین دفاع توسط عبدالله نوری شد و هیات منصفه بدون شنیدن آخرین دفاع به اتفاق آراء عبدالله نوری را محکوم کرد
مورد از موارد اتهامی مجرم شناخته و مستحق هیچ تخفیفی ندانست. اعضای این هیات منصفه که تماماً از روحانیون

به دنبال پایان جلسات دادگاه عبدالله نوری، هیات منصفه دستیخت این دادگاه بدون شنیدن آخرین دفاعیات، نوری را در ۱۵

اسناد و مقالات پیشنهادی به کنگره ششم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- اهداف سیاسی، مواضع، سیاست‌ها و برنامه عمل سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صفحه ۵
- در راه ژرفش جنبش اصلاح‌طلبی در کشور صفحه ۶
- برای توسعه سیاسی و بهسازی زندگی مردم جهان و جایگاه ما صفحه ۷
- صفحه ۸

سرمقاله

یک سال پس از قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷

از قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷، یک سال گذشت و هنوز هم حکومت، همه دست‌اندرکاران و عوامل پشت پرده این قتل‌ها را به مردم معرفی نکرده است. هنوز کسی علی فلاحیان، وزیر اطلاعاتی که سعید امامی را نزدیک به یک دهه در حساس‌ترین مقام امنیتی جمهوری اسلامی نگه داشت را مورد بازخواست قرار ن داده است. هنوز خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای از نتایج تحقیقات مقامات قضایی رژیم، بی‌اطلاعند و نمی‌دانند به عنوان شاکی خصوصی باید از چه کسانی شکایت کنند. به جای آنکه عوامل پشت پرده قتل‌ها تحت تعقیب قرار گیرند، حسینیان مدافع سعید امامی به عنوان عضو هیات منصفه، رأی به مجرم بودن مسئول روزنامه خرداد می‌دهد که یکی از گناهان آن، افشای اسرار قتل‌هاست.

حتی بسیاری از اصلاح‌طلبان حکومتی نیز بزرگترین گناه قاتلان را ضربه زدن به نظام یا تضعیف دولت خاتمی می‌دانند، نه پایمال کردن مهم‌ترین حق گروهی از شهروندان، یعنی حق زندگی، هم و غم دستگاه قضایی که باید ملجأ مردم در برابر ناقضان حقوقشان باشد، به جای پیگیری واقعی پرونده قتل‌ها، بستن روزنامه‌های مدافع حقوق مردم و دستگیری مدیران و سردبیران آنهاست. دانشجویان را به اتهام شرکت در تظاهرات تیرماه، ظرف چند ماه به زندان‌های طویل‌المدت محکوم کردند، اما قاتلان زنجیره‌ای با گذشت یک سال هنوز محاکمه نشده‌اند.

جناح محافظه کار مسلط بر حکومت که زمام امور دستگاه قضایی را در دست دارد، می‌کوشد با دفع وقت، پرونده قتل‌ها را مضمول مرور زمان کند و به فراموشی بسپارد. سران این جناح که خود مسئولیت بسیاری از جنایات و موارد نقض حقوق بشر را بر عهده دارند، با تمام قوا می‌کوشند سر و ته قضیه قتل‌ها با همین حد از افشاگری اجباری که تاکنون صورت گرفته است، به هم آید.

در برابر این تلاش محافظه‌کاران، اصلاح‌طلبان حکومتی مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. آقای خاتمی رئیس‌جمهور، چند هفته پس از قتل‌های سال گذشته به مردم قول داد این پرونده را تا هر کجا که لازم باشد دنبال خواهد کرد. زمان آن فرا رسیده است که این وعده آقای خاتمی بار دیگر به او یادآوری شود. آقای خاتمی به خوبی می‌داند که انتهای پرونده قتل‌ها، سعید امامی نیست. مهره‌های بسیار مهم‌تر از سعید امامی در عملیات مافیایی وزارت اطلاعات دست داشته‌اند. این را نیز آقای خاتمی به خوبی می‌داند که این عملیات مافیایی با قتل‌های پاییز ۷۷ آغاز نشد. از اعدام‌های دسته‌جمعی دهه ۶۰ که بگذریم، سابقه جنایات وزارت اطلاعات به ادامه در صفحه ۹

به منظور مقابله با «نیروهای غیر خودی» روحانیون حاکم تشکیل جلسه دادند

دومین نشست مشترک جامعه روحانیت، مجمع روحانیون مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، روز پنجشنبه گذشته در تهران برگزار شد و برخلاف نشست نخست آن‌ها در قم، تحت پوشش وسیع خبری قرار گرفت. در این نشست مهدوی کتی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران، مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری، کروی دبیر کل مجمع روحانیون مبارز و هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، سخنرانی کردند.

مهدوی کتی در سخنرانی خود گفت: باید بگوئیم تا با نزدیک شدن به یکدیگر و ایجاد وحدت و همدلی، راه رخنه عناصر غیر خودی را بندیم و مانع از آسیب‌پذیری انقلاب و نظام اسلامی شویم. دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران از اسلام، انقلاب، امام و خط امام، ولایت فقیه و رهبری به عنوان «محورهای اصلی وحدت» یاد کرد. کتی افزود: از اجتماع ما غیرخودی‌ها و دشمنان ناراحت هستند.

آیت‌الله مشکینی روحانیون را از سخن گفتن علیه یکدیگر برحذر داشت. مهدی کروی دبیرکل مجمع ادامه در صفحه ۲

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

بشریت مترقی سده‌هاست که معیار وجود و تعمیق آزادی در یک جامعه را آزادی مخالفان نظام حاکم بر آن جامعه و دگراندیشان می‌داند. روشنفکران ایرانی نیز همواره بر درستی این برداشت از آزادی پای فشرده‌اند. اما در فرهنگ حاکمان پر کشور، واژه‌ی «آزادی» همیشه همراه با عبارات محدود کننده آن آمده و به کار گرفته شده است. تنها در یکی دو سال اخیر است که گاه خاتمی و معدودی از هواداران او تغییر «آزادی یعنی آزادی مخالفان» را بر زبان جاری کرده‌اند. آخرین نمونه آن هم گفته مهاجرانی وزیر ارشاد جمهوری اسلامی در سه‌شنبه گذشته در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران بود. او گفت: «اسلام بنیاد بر این نیست که مردم را به زور به بهشت ببرد، چنین چیزی نیست، بنابراین مخالف را باید پذیرفت، شیوه‌ای که حکومت دینی با مخالفین خودش دارد بسیار مهم است. باید آزادی را با میزان آزادی مخالفان سنجید».

ایراد سخنانی این‌گونه در سال‌های اخیر البته که فی‌نفسه تحول مثبتی است اما دریغاً که با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود و کردار خاتمی و همکاران نزدیکش با چنین گفتارهایی تاکنون تطابق نشان نداده است.

در آستانه انتخاباتی که تحرک وسیعی را در جامعه پدید آورده و تمام نیروهای مذهبی از دو جناح عمده حکومتی گرفته تا روشنفکران دینی و فعالان ملی و مذهبی را به فعالیت گسترده کشانده است، نیروهای سیاسی غیرمذهبی و لائیک از نیروهای چپ و دموکرات و آزادی‌خواه گرفته تا ملی، کماکان در محاق زندان و تبعید به سر می‌برند و حتی تعداد زندانیان سیاسی در ماه‌های اخیر افزایش یافته که طبعاً با شعار «آزادی یعنی آزادی مخالفان» همخوانی ندارد. اگر گویندگان شعارها به آن اعتقاد دارند، باید قاعده‌تاً عاجل‌ترین اقداماتشان در راستای تحقق

بخشیدن به شعار فوق، آزادی زندانیان سیاسی و تأمین شرایط بازگشت آزادانه ایرانیان خارج از کشور به میهن و تأمین شرایط فعالیت آزادانه احزاب سیاسی باشد. بدون چنین اقداماتی، اظهار سخنانی از این دست در مورد آزادی اگر به قصد عوام‌فریبی صورت نگرفته باشد، تنها نشان‌دهنده آن است که گویندگان این سخنان هنوز درک عمیقی از تعبیر گره‌برداری شده‌ی خود از آزادی را ندارند و آزادی مخالفان را عجلتاً جدا کرده‌اند که تنها اندکی تفاوت مواضع با ایشان دارند، پذیرا هستند.

در هر حال جامعه ملت‌محاب آزادی همه‌جانبه، همگانی و گسترده‌ای را می‌طلبد. طیف نیروهای مذهبی جامعه از راست سنتی قشری و محافظه‌کار گرفته تا روشنفکران دینی و نیروهای ملی مذهبی با وجود گستردگی، تنها بخش‌هایی از جامعه ما را نمایندگی می‌کنند. توده‌های وسیعی از مردم کشور ما خود را چپ، دموکرات، آزادی‌خواه، بشردوست و ملی می‌دانند و به مذهب به عنوان امری خصوصی که به آن اعتقاد دارند یا ندارند نگرینند، خواهان جدائی دین از حکومت هستند. ممکن است که این نیروهای عظیم در مقاطعی از این یا آن نیرو در طیف نیروهای مذهبی حمایت کنند، اما جامعه از زمانی که این بخش از آن و نیروهای سیاسی سرکوب شده آن پیوند آزادانه خود را مجدداً برقرار نکند تعادل لازم را نخواهد یافت و همواره آستان رویدادهای پیش‌بینی نشده و گاه انفجاری خواهد بود.

پر همگان روشن است که خاتمی و مهاجرانی و دیگر هم‌فکران آن‌ها، خود تحت فشار نیروهای راست حکومت‌اند و از این رو کاملاً فراغ‌بال و فراخ‌دست نیستند، اما آنان در بالاترین مقامات اجرایی مقدوراتی بیش از آنچه که به خدمت می‌گیرند در اختیار دارند.

خاتمی در برابر اعتمادی که با دادن وعده‌های انتخاباتی خود به مردم از آنان کسب کرده است مسئول است و باید با ناسامانی‌ها و مشکلاتی که محافظه‌کاران برایش پدید می‌آورند قاطعانه برخورد کند. خاتمی در این مقطع حساس هم می‌تواند تنها نظاره‌گر اتفاقاتی که در جریان انتخابات مجلس ششم روی می‌دهد باشد و هم می‌تواند به سهم خود کمک کند تا طیف‌های وسیع‌تری از مردم نمایندگان سیاسی خود را در جامعه بیابند و با آن پیوند برقرار کنند. روشن است که انتخاب راه دوم به نفع ثبات در کشور ماست. □

در پاسخ به ادعای مقامات رژیم در مورد رفع تدریجی «حصر» آیت‌الله منتظری: اجازه نمی‌دهم اختیار ملاقات‌هایم دست دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت باشد

در حالی که مقامات رژیم مدعی‌اند رفع «حصر» آیت‌الله منتظری را «بسط تدریجی» آغاز کرده‌اند، نزدیکان آیت‌الله اعلام کردند که وی از پذیرش کسانی که رژیم تعیین کرده، خودداری نموده است. به گزارش روزنامه خرداد، کنترل نیروهای امنیتی از درب جنوبی منزل آیت‌الله منتظری این ملاقات را بر داشته شد و مقامات مسئول به ۱۵ نفر اجازه ملاقات با آیت‌الله منتظری دادند که محمد مومن و حسن طاهری خرم‌آبادی، هر دو از روحانیون محافظه‌کار، در زمره آن‌ها می‌باشند.

به گزارش نزدیکان آقای منتظری، وی گفته است چنانچه اجازه ملاقات بدون هیچ‌گونه محدودیتی برای او تأمین نشود، او نمی‌خواهد با هیچ‌کس دیدار کند. آیت‌الله منتظری گفته است

هیات نظارت بر مطبوعات

هم به صف شاکیان پیوست

در همین حال اعلام شد هیات نظارت بر مطبوعات از نشریه آوا به دلیل درج اخبار مربوط به آیت‌الله منتظری شکایت کرده

هیات منصفه جدید مطبوعات مدیر مسئول «پنجشنبه‌ها» و ام‌جرم شناخت

در نخستین اقدام خود مدیران مسئول هفته‌نامه «پنجشنبه‌ها» و همچنین ماهنامه «شبکه» را مجرم شناخت. در جلسه محاکمه خانم ژاله اسکویی مسیری، پورنجاتی، لطفی، مزروعی، فاضلی، واحدی و حسینی یگانه به عنوان اعضای هیات منصفه حضور داشتند. خانم اسکویی از جمله به خاطر انتشار مقاله «روی زمین مسجد عشرتکده ساختند»، انتخاب «تیترو موهن» برای تبلیغ نمایشنامه موج، انتشار مقاله «طوفان فکری» که به جزئیات فریب دختران و

پسران جوان در آموزشگاه‌های هنرپیشگی می‌پردازد، محاکمه شد. شاکتی مقاله «طوفان فکری» هیات نظارت بر مطبوعات بود که زیر نظر وزیر ارشاد فعالیت می‌کند. خانم اسکویی در دفاع از خود پیرامون این شکایت گفت: آقای سیف‌الله داد معاون سینمایی وزارت ارشاد اعلام کرده که «۵۰ آموزشگاه غیرمجاز را تعطیل کرده که این تعداد اکنون به ۱۴ رسیده است. هیات نظارت در بررسی از موارد اتهامی مدیر مسئول هفته‌نامه پنجشنبه‌ها را مستحق تخفیف نیز ندانسته است.



پسران جوان در آموزشگاه‌های هنرپیشگی می‌پردازد، محاکمه شد.

رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار: بیکاری موجود حاصل سیاست‌های غلط است

حسن صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار گفت: بحران بیکاری در سال‌های اخیر و بیکاری فعلی نسل جوان حاصل سیاست‌های غلط و نادرست جمعیتی و سیاست‌های اقتصادی است که توجیه به اشتغال نداشته است. به گفته وی: بی‌اعتنایی برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی به مسأله ایجاد اشتغال مناسب و کافی، موجب بیکاری فعلی شده است. در برنامه اول توسعه، هدف ایجاد اشتغال در بخش صنعت تحقق نیافت، به طوری که ۸۵ درصد اشتغال جدید، در بخش خدمات ایجاد شد. صادقی افزود: تحقق نیافتن هدف ایجاد اشتغال در برنامه اول و دوم ناشی از سیاست‌های صنعتی وارد کردن ماشین‌الات و استفاده هرچه بیشتر از ماشین‌الات به جای کارگر بوده است.

رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور افزود: برنامه سوم توسعه نیز همان مسیر برنامه‌های قبلی را طی می‌کند و عملاً به نیازهای جامعه در مورد اشتغال پاسخ داده نشده است. به گفته وی: اگر بخوایم به اشتغال کامل برسیم باید سالانه حدود ۱/۳ میلیون شغل جدید ایجاد کنیم. □

آینده امیدبخش با توجه یک گذشته سیاه ممکن نیست

کوشیده است چنین وانمود کند که عملکرد اپوزیسیون به سرکوب خوین دهه ۶۰ انجامید. آقای نبوی گفته است: «تا خرداد ۱۳۶۰ کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف بدون هیچ مانع قانونی در کشور فعالیت می‌کردند». شمار بسیار فدائیان و اعضای سایر احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون که از ۱۳۵۸ تا خرداد ۱۳۶۰ به جوخه اعدام سپرده شدند، به زندان جمهوری اسلامی رفتند یا قربانی حملات گروه‌های فشار مورد حمایت حکومت گردیدند، نادرستی این ادعای آقای نبوی را اثبات می‌کند. به نظر می‌رسد خود آقای نبوی در حین مصاحبه متوجه شده است که این ادعایش تا چه حد پوچ است، چرا که بلافاصله می‌کوشد توفیق روزنامه آیدندگان در همان تابستان اول پس از انقلاب را نه ناشی از دستور خمینی، که واکنش مراجع قضایی وقت در قبال «اعتراضات مردمی» جلوه دهد. آنچه نبوی «اعتراضات

مردمی» می‌نامد، حملات چماقداران مورد حمایت حکومت به دگراندیشان بود. این گونه گروه‌های فشار را امروز نیز محافظه‌کاران حکومتی علیه جنینش دوم خرداد به راه می‌اندازند. کسی که چماق‌داری در سال ۱۳۵۸ را توجیه می‌کند، نمی‌تواند در ادعای مخالفت با چماق‌داری در سال ۱۳۷۸ جدی گرفته شود.

بهباد نبوی سپس به دستور خمینی در زمستان ۵۸ مبنی بر اینکه «کسی که به قانون اساسی رای نداده است حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را هم ندارد» اشاره می‌کند و مدعی است این حکم به معنای سلب حقوق سیاسی دیگران نیست. در پاسخ این ادعا، باید یادآور شد که به موجب همان قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، خمینی عالی‌ترین مقام حکومتی بود. چگونه می‌توان پذیرفت که محروم کردن مسعود رجوی از کاندیداتوری از سوی خمینی، امری صرفاً «ارشادی» و تنها

اطلاعیه در مورد درگذشت دکتر نورالدین کیانوری

گروهی از فعالین چپ ایران، با انتشار اطلاعیه‌ای درگذشت نورالدین کیانوری را به همسر و هم‌زمان او تسلیت گفته و وی را از قربانیان ستم استبداد نامیدند. متن این اطلاعیه را در زیر می‌خوانید:

دکتر نورالدین کیانوری، شخصیت برجسته حزب توده ایران و یکی از مبارزان پیگیر و نامدار تاریخ معاصر در میهن خود غریبانه درگذشت. ما تأثر عمیق خود را از فقدان این مبارز خستگی‌ناپذیر اعلام داشته و این سوگ را به خانواده کیانوری بویژه همسر و هم‌زرم وفادار ایشان سرکار خانم مریم فیروز تسلیت می‌گوییم. یاد و خاطره کیانوری که به دلیل پایبندی به ایده‌ها و باورهای خود تحت شکنجه و آزار دژخیمان قرار گرفته و سرانجام به مجموعه قربانیان ستم استبداد حاکم بر کشور ملحق شد، پایدار و ماندگار خواهد بود. داوود آذری - فرزانه کریمی - آریانپور - علی آقامیر - یوسف ابراهیم (آرام) - ایراندخت ابراهیمی - داوود ابراهیمی - مصطفی احمدی - مرسده اخسلاقی - عبدالرحمان اسماعیل‌پور - محمد اسمعی - احمد اشرف - هوشیار اسمعی - کامران امینی - محسن امینی - مهین اندامی - صادق انصاری - محرم ایماز - دانش باقرپور - محمدطاهر برهون - برزو بقایی - ناصر بنایی - اسد ترابی - حسین تقوی - ماشالله جاسمی - رسول جباری - اردشیر جم‌نشان - ذبیح‌الله حجت‌نژاد - جلیل حسینی - طاهر حشمت - احترام حیدریان - علیرضا خاکپور - بیژن خسروانسی - رقیه سیدعلیرضا یکتا.

نامه‌ها و مقالات رسیده

پیمان نعمتی
فمینیسم اسلامی گره‌گاه تبیین جنبش زنان در ایران
الف. سیامک
نامی به هیات تحریریه «کار»
میرصادق غفار حسینی حضور علنی تشکلهای سیاسی تنها راه تداوم جنبش مسالمت‌جویانه است
فرامرز دادور
نگاهی به تجربه جنبش چپ
علی اکبر
اکثریت ضعیف، اقلیت قوی!
ر. شوقی
ترجمه «شب کریسمس» را هرگز فراموش نکنیم
ام.
نامی بدون عنوان
ضمن تشکر از این همکاران عزیز، مقالات و نامه‌های آن‌ها را در نخستین فرصت منتشر خواهیم کرد.

دستگیر و شمار زیادی از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند. کار در زمانی که از حکومت و قانون اساسی دفاع می‌کرد، در زمستان ۱۳۶۰ توقیف شد. فعالیت سازمان ما تا سال ۱۳۶۲ را با هیچ معیاری نمی‌توان فعالیت آزاد نامید.

سرکوب گسترده سازمان از ۱۳۶۲ نیز بدون هیچ معیار و دستاویز قانونی صورت گرفت و هنوز ادامه دارد. از آن هنگام تا کنون، هزاران عضو و هوادار سازمان ما بدون اینکه علیه جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه کرده باشند به زندان افتادند یا برای نجات جان خود، ناچار به مهاجرت شدند. آمار اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (کثرت) که از سال ۱۳۶۲ بدین سو اعدام شده‌اند، سه‌رقمی است. اگر به این رفا، اعضا و هواداران سایر سازمان‌ها و احزاب سیاسی را که بدون کوچکترین دخالت در مبارزه مسلحانه، توسط جمهوری اسلامی تیرباران شده یا به دار آویخته شده‌اند، بیافزاییم، این آمار سر به هزاران می‌زند. آقای نبوی به جای اینکه از این آمار، تکان بخورد و مسئولیت خود به

عنوان عضو کابینه در آن سال‌های سیاه را بپذیرد، حقیقت را کتمان می‌کند. خلاف ادعای بهزاد نبوی، آنچه موجب سرکوب گروه‌های سیاسی شد، روی آوردن این گروه‌ها به مشی «براندازی» نبود. رهبران جمهوری اسلامی از ابتدا قصد تحمل نیروهای مخالف را نداشتند، چرا که نمی‌خواستند در یک رقابت دمکراتیک با اپوزیسیون شرکت کنند و احیاناً زمانی قدرت را از دست بدهند. آزادی‌های نسبی پلافاصله پس از انقلاب که تمهید آن تا خرداد ۶۰ ادامه داشت، نه نشانه حسن نیت، که ناشی از تثبیت شدن حکومت بود. جمهوری اسلامی قادر نبود از همان ابتدا همه نیروهای مخالف را سرکوب کند. از این رو یک به یک به سراغ آنان رفت و بالاخره با سرکوب همه آنان، استبداد مطلق را برقرار کرد.

تا وقتی امثال بهزاد نبوی، به این گونه تحریف تاریخ ادامه می‌دهند، هیچ اطمینانی به پایبندی آنان به دمکراسی و حقوق بشر به وجود نخواهد آمد. □

به اخراج پناهندگان پایان دهید!

مجلس شورای اسلامی دولت را موظف ساخته است تا پایان سال ۱۳۷۹ تمامی پناهندگان افغانی و عراقی را از کشور اخراج نماید. در حال حاضر نزدیک به دو میلیون افغانی و عراقی در ایران زندگی می‌کنند که یک میلیون و چهارصد هزار نفر آنان افغانی و بیش از پانصد هزار تن دیگر عراقی هستند. بنا به اظهارات مسئولین مدتهاست که مقدمات اجرای این طرح ضدانسانی از سوی فرمانداریها و ارگانهای انتظامی به مرحله اجرا گذاشته شده است و به طور گسترده‌ای برای این افراد برگ صادر گردیده است.

دولت جمهوری اسلامی که امکانات وسیعی را به بهانه پناهندگان از ارگانهای بین‌المللی دریافت می‌کند، پناهندگان را علیرغم میلشان به مناطق مرزی کشور می‌برد و به هر کدام معادل چهل دلار وجه نقد می‌دهد و بی‌پروا از وقوع حوادث و خطر آسیب‌پذیری کودکان و سالخورده‌گان، آنها را راهی کشورهای جنگ‌زده و ناامن می‌سازد.

مطابق آمارهای رسمی تنها طی چند ماهه اخیر، بیش از چهل هزار افغانی و ۱۸ هزار تن از کردهای عراقی از ایران اخراج گردیده‌اند. آوارگان افغانی و عراقی سالها در میهن ما به کار و زندگی مشغول هستند و مبادرت به مناسبات و برقراری پیوند خویشاوندی با ایرانیان نموده‌اند و بخش بزرگی از آنها در ایران دارای خانواده هستند. در طی این سالها افغانها و عراقی‌های مقیم ایران، مورد بیمه‌ری و تحقیر قرار گرفته‌اند و هیچ‌گاه از قانون و حمایت دولتی درخور توجه‌ای برخوردار نبوده‌اند. آنها همواره از نداشتن محل سکونت مناسب، آب سالم آشامیدنی، تغذیه و بهداشت مناسب در رنج بوده‌اند و کودکانشان عموماً از تحصیل در مدارس کشور محرومند.

یکی از دلایل اساسی تصمیم به اخراج پناهندگان و مهاجران از سوی حکومت اسلامی، وجود بحران ساختاری در کشور است که نظام اسلامی می‌خواهد با توسل به این عمل، فشار ناشی از اعتراضات و مطالبات توده‌ای علیه خود را کاهش دهد و تقصیر این بحران را به گردن پناهندگان بیاندازد. در حالی است که افغانها و عراقیهای پناهنده در ایران همواره به سخت‌ترین مشاغل و با نازلترین سطح دستمزد مشغول بوده و از داشتن حق بیمه و بازتشتگی محروم بوده‌اند.

ما از تمامی احزاب و سازمانهای دمکرات و ترقی‌خواه داخلی و بین‌المللی مدافع حقوق بشر دعوت می‌کنیم تا با مداخله حقوقی خویش و فشار بر دولت جمهوری اسلامی، مانع بازگرداندن پناهندگان و مهاجران به کشورهای ناامن و جنگ‌زده افغانستان و عراق شوند. با حمایت و همبستگی گسترده خود، از حق برخورداری برابر حقوق مهاجرین یا سایر شهروندان ایرانی ادامه دهیم و با تلاش مشترک، مناسبات آتی مردم ایران را با همسایگان بر پایه صلح، برادری و دوستی مستحکم سازیم.

نامه اعتراضی دانشجویان زندانی دانشگاه تبریز دانشجوی مجروح ایوب سلیمی در زندان در شرایط جسمی وخیمی به سر می‌برد

اما این ستم ناخواسته اثرات نامطلوبی در جسم و روح آنان می‌گذارد. دانشجویان نوشته‌اند: آقای ایوب سلیمی دانشجویی که مورد اصابت سه تیر از جانب پای راست قرار گرفته است، در زندان در شرایط نامطلوب جسمی و روحی قرار دارد. در حالی که ایشان برای بهبود پای زخمی خویش مجبور به استفاده از داروهای قوی و ضد چرک می‌باشد و باید از غذاهای مقوی و خون‌ساز و انواع آب میوه استفاده کند و تحت مراقبت و محبت پدر و مادر خویش باشد تا مراحل بهبودی‌اش به سرعت طی شود، اما متأسفانه دادگاه

دانشجویان زندانی دانشگاه تبریز، با ارسال نامه تازه‌ای خطاب به رییس شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی، نسبت به ادامه بازداشت ایوب سلیمی، دانشجویی که در جریان تظاهرات دانشگاه تبریز در تیر ماه گذشته مورد اصابت گلوله اوباش قرار گرفت، اعتراض کردند. ایوب سلیمی در جریان تظاهرات مورد اصابت سه گلوله قرار گرفت و علیرغم نیاز به درمان، همچنان در زندان به سر می‌برد. ۵ دانشجوی زندانی که این نامه را امضا کرده‌اند، نوشته‌اند به امید اجرای عدالت سکوت اختیار کرده‌اند.

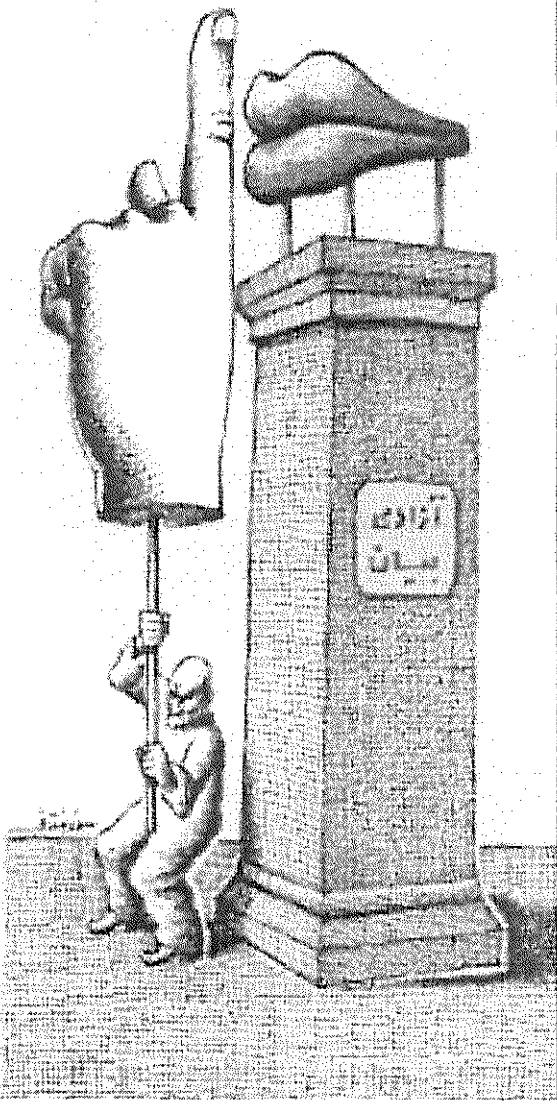
بیرون افتاده است، مسئولیت‌ها را در ادامه پیگیری پرونده جنایات وزارت اطلاعات مشاغل می‌کند. ناتمام گذاشتن پیگیری این پرونده، آن هم در شرایطی که دیگر همه می‌دانند قتل‌های پاییز ۷۷ تنها گوشه‌ای از این جنایات است، درست مانند آن است که اصلاً رسیدگی به پرونده آغاز نمی‌شد. مردم از آقای خاتمی انتظار دارند همان گونه که برای رسیدگی به پرونده قتل‌ها در آغاز، به دستگاه قضایی اعتماد نکند و دستور تحقیقات مستقل را داد، اولاً این تحقیقات را به سایر جنایات وزارت اطلاعات بسط دهد و ثانیاً نگذارد پرونده قتل‌های پاییز ۷۷ در نیمه‌راه مسکوت بماند.

یک سال پس از قتل‌های زنجیره‌ای پاییز ۷۷

که چنین جنایاتی در حوزه مسئولیتشان رخ داده است، بدون ملاحظه مقام و موقعیت فعلی آنها مورد بازخواست قرار گیرند. آقای خاتمی که به مردم قول حکومت قانون را داده است، چرا برای پیگیری اقدام نمی‌کند؟ مسکن است طرفداران آقای خاتمی بگویند همین حد از افزایش حقیقت نیز موهون اقدام خاتمی در تشکیل کمیته تحقیق سه نفره است. ما قصد انکار تاثیر مثبت این اقدام آقای خاتمی را نداریم و از آن قدردانی می‌کنیم. اما همین حد از حقیقت نسیز که از پسرده

ادامه از صفحه اول قتل فجیع دکتر کاظم سامی باز می‌گردد. دهها مخالف جمهوری اسلامی توسط آدم‌کشان وزارت اطلاعات در خارج از کشور به قتل رسیده‌اند. در داخل ایران، شمار قربانیان قتل‌های مشابه قتل سختراری و پویبند در دوره وزارت فلاحیان بسیار است. عبدالله نوری در دفاعیات خود از مسئولیت وزارت اطلاعات در این قتل‌ها برده برداشت. در کشورهای مستعد، چنین افشاگری‌هایی کافی است که کمیته‌های پارلمانی مأمور رسیدگی علنی به این اتهامات شوند و مقاماتی

مانا نیستانی



با این قانون اساسی نمی‌توان به نظام مردم‌سالار رسید!

حدود و اختیاراتی که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای رهبر حکومت اسلامی در نظر گرفته است، آشنا هستند و این نخستین انحراف بزرگ قانون اساسی جمهوری اسلامی از اصول دموکراتیک و مردم‌سالاری است. مقامی با این همه قدرت، صرف‌نظر از این که در اختیار چه کسی باشد، فسادبرانگیز است.

۳. عبدالله نوری می‌گوید: نشان دهد اگر همه چیز مطابق قانون اساسی پیش رود، نهاد ولایت فقیه خارج از کنترل نخواهد بود. او تلاش می‌کند مجلس خبرگان، آن گونه که خود در نظر دارد، را به عنوان نهاد کنترل‌کننده رهبری تعریف کرده و برای این تفرقه که مقام رهبری جمهوری اسلامی خارج از هر کنترلی قرار دارد، چاره‌ای بیاندیشد. اما مجلس خبرگان حتی اگر مطابق نظر عبدالله نوری به طور کامل دموکراتیک نیز انتخاب شود، باز فاقد قدرت کنترل‌کننده بر نهاد رهبری است. به دلایل زیر:

اولاً - مقام رهبری در جمهوری اسلامی، تابع هیچ محدودیت زمانی نیست. امروز در بسیاری از کشورهای دموکراتیک، برای جلوگیری از تمرکز قدرت، مطابق قوانین مانع از آن می‌شوند که هیچ فردی بیش از دوره زمانی معینی در مسئولیت‌های طراز اول قدرت قرار گیرد. برای رهبر جمهوری اسلامی این محدودیت در نظر گرفته نشده است. بنابراین او فرصت و زمان کافی و وسایل لازم را در اختیار دارد که با استفاده از قدرت بی‌پایان و نامحدود خود، بر سایر نهادهای دولتی و حکومتی اعمال نفوذ کند و آن‌ها را تحت تاثیر خود قرار داده و مطیع خواست‌های خویش سازد. هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بپذیرد که یک مجلس خبرگان که سالی چند بار تشکیل جلسه می‌دهد، قادر باشد مقامی را که بطور عمیقی ریشه در قدرت

دواینده است، تحت کنترل خود درآورد. دوم - آن چه که ادعای کنترل نهاد رهبری توسط مجلس خبرگان را کاملاً بی‌اعتبار می‌سازد، این است که این مجلس اساساً مطابق تمایلات رهبر شکل می‌گیرد و صلاحیت نمایندگانش توسط رهبری که خود برگزیده مقام رهبری است باید مورد تایید قرار گیرد.

۴. عبدالله نوری می‌گوید: به هر حال هر قانون اساسی یک مفسر می‌خواهد و خبرگان قانون اساسی ما شورای نگهبان را مفسر قانون اساسی قرار داده‌اند. نوری بر این تصمیم ایرادی نمی‌گیرد. اما یکی از بزرگ‌ترین جنبه‌های ضددموکراتیک قانون اساسی همین تصمیم است. زیرا شورای نگهبان منتخب رهبر است (فقیه‌اش مستقیماً توسط رهبر انتخاب می‌شوند و وکلایش نیز اگر هم کارهای باشند منتخب رئیس قوه قضاییه هستند!) و در نیز منتخب رهبر است! و در تحلیل نهایی مفسر قانون اساسی نیز مقامی می‌شود که خود بالاترین قدرت را در آن دارد!

۵. بدین ترتیب نگاهی حتی اجمالی به ساختار رهبری در حکومت اسلامی که مطابق قانون اساسی تشکیل شده و پر است از نهادهای غیرانتخابی، نشان می‌دهد که سر نخ همه اختیارات سرانجام به نهاد رهبری جمهوری اسلامی ختم می‌شود و او نه تنها اختیاراتی فوق‌العاده گسترده دارد، بلکه مفسر قانون نیز هست و نهادی را هم که برای کنترل او تشکیل شده است، تحت کنترل دارد!

این قانون اساسی با وضعیت فعلی این زمانی می‌تواند در

انجام داد و در شماره گذشته «کار» نیز خلاصه‌ای از آن به چاپ رسید، روشن شده است. عبدالله نوری در این مصاحبه که به ویژه مورد تاکید مقاله حاضر است، در برابر هشدارهای اکبر گنجی که می‌گوید او را متوجه تناقضات قانون اساسی سازد، از این قانون دفاع می‌کند و می‌گوید: «نباید عملکرد افراد را به پای قانون اساسی گذاشت» و «مشکل به قانون اساسی بازمی‌گردد، بلکه به نحوه اجرا و وضع قوانین بازمی‌گردد».

عبدالله نوری به این موضوع نزدیک هم نمی‌شود که چه عواملی در خود قانون اساسی وجود دارد که مانع اجرای آن می‌شود و به محال قدرت به راحتی اجازه می‌دهد، آن را زیر پا بگذارند. راحل‌هایی که عبدالله نوری به طور مثال در مورد نحوه بازنگری در قانون اساسی و در پاسخ به انتقادات اکبر گنجی ارایه می‌دهد، غیرقابل اعتماد و بیش از اندازه غیرواقعی است. نوری می‌گوید: «آن تصویری که گمان می‌کند رهبری به نفع خود و به ضرر ملت در قانون اساسی بازنگری می‌کند، این نکته را در نظر نمی‌گیرد که مردم در نهایت به چنان قانون اساسی رای نخواهند داد و چنان انتخاباتی را تحریم خواهند کرد!» برای کسی که سال‌هاست یکی از دست‌اندرکاران حکومت بوده است و قدرت این حکومت را به رای‌سازی، و حتی تمایل‌سازی در مردم دیده است، بعید است که چنان راحت مساله به این مبهمی را چنین خوش‌پاورانه پاسخ گوید. آیا به راستی اگر «رهبر» مخالف منافع مردم و مردم‌سالاری بود، به رای مردم اهمیت می‌دهد؟ آیا برای حکومت‌های ضددموکراتیک دشوار است که ماشین‌های رای‌سازی خود را به کار بیاورند و سیاه را سفید جلوه دهند. و آیا اصولاً در حکومتی که اساسش بر پایه دیکتاتوری قرار دارد، مردم می‌توانند همواره چنان راحت، آن‌گونه که عبدالله نوری می‌گوید، اعمال اراده کنند؟ عبدالله نوری به این

دفاعیات عبدالله نوری در برابر دادگاه ویژه روحانیت را باید یکی از ماندگارترین دفاعیات در تاریخ بیست ساله حکومت اسلامی دانست. عبدالله نوری در این دادگاه ظالمانه، با شهامت کم‌نظیری که در میان وابستگان به حکومت تنها از او انتظار می‌رفت، ظلم و ستم دستگاه حاکم بر ایران را افشاء کرد و با دفاع صریح و روشن خود از حقوق مخالفان، پیشروترین و شجاعانه‌ترین «قرات» سیاسی از اصلاح‌طلبان دینی در ایران را به نمایش نهاد. این دادگاه، خلاف نظر و قصد دشمنان آزادی، نوری را پیش از پیش به یک چهره برجسته جنبش اصلاح‌طلبی مذهبی در ایران تبدیل کرد. سخنان شجاعانه نوری نه تنها اصلاح‌طلبان مذهبی را امید دوباره‌ای بخشید، بلکه احترام و تسخین همه آزادی‌خواهان ایران را نیز برانگیخت.

اما دقت در سخنان و نظرات عبدالله نوری، در عین حال محدودیت‌هایی را آشکار می‌کند که بدون توجه به آن‌ها، از نظر ما رفع آن‌ها، مبارزه برای تحقق یک جامعه دموکراتیک و مردم‌سالار در ایران، آن‌گونه که عبدالله نوری به دفاع از آن برخاسته است، ناممکن خواهند بود. این مقاله کوششی است در جهت نشان دادن این محدودیت‌ها. همه سخن و همه تلاش عبدالله نوری را در یک کلام می‌توان تلاش برای اجرای قانون اساسی در ایران خلاصه کرد. این تلاش هر چند در شرایط کنونی که قانون مطابق سلیقه صاحبان قدرت به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود، یک گام مثبت است و می‌تواند برخی از مشکلات را مرتفع سازد، اما به اعتقاد ما، نمی‌تواند هدف آزادی‌خواهان ایران را که استقرار یک نظام مردم‌سالار است، برآورده سازد. نظر عبدالله نوری در مورد قانون اساسی، علاوه بر دفاعیات او، در مصاحبه‌ای که وی در آستانه تشکیل دادگاه خود با اکبر گنجی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب

زندگی نشان نداده است که با وجود نهادهای قدرتمندی نظیر رهبری و شورای نگهبان، نمی‌توان به اجرای حتی همین قانون ناقص امیدوار بود؟ آیا براساس این همه تخلف از قانون اساسی که در برابر چشمان ولی فقیه صورت می‌گیرد، خود نشانه آن نیست که او با این تخلفات مخالف نیست؟ آیا می‌توان امیدوار بود که با وجود رهبری کنونی و شورای نگهبان موجود، مجلس خبرگانی تشکیل داد که رهبری دیگری برگزیند که اجازه ندهد قانون چنین در برابر چشمانش قربانی شود و آیا می‌توان امیدوار بود که چنین رهبری فرضی، با آن همه قدرت نامحدود، خود به همان راهی نرود که رهبری فعلی رفته است؟ این‌ها سوالات بی‌پایان و بدون پاسخی است که در چارچوبه قانون اساسی موجود مطلقاً نمی‌توان بدانان پاسخی امیدوارکننده داد.

مخالفت ما با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یک مخالفت کور و از سر لجبازی نیست. این قانون اساسی، به دلیل به رسمیت شناختن ولایت فقیه با اختیارات بی‌پایان، قانونی است که به کمک آن هرگز نمی‌توان به خواست عبدالله نوری مبنی بر برقراری نظام مردم‌سالاری در ایران رسید. بازنگری در این قانون ضرورتی است که بدون آن اصلاحات در ایران به هیچ سرانجام روشنی نخواهد رسید. این بازنگری به اعتقاد ما باید در جهت پایان بخشیدن به نظام ایدئولوژیک در ایران، برچیدن مقام کاملاً زاید رهبری و همه نهادهای ارگان‌های وابسته به آن، و تنظیم آن بر پایه حقوق شناخته شده دموکراتیک و از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد. ایسا وقت آن نرسیده است همان‌گونه که عبدالله نوری نیز مستقفاً خود را وارد کنند. نکته پایانی این که آیا به این موضوع اندیشه شده است چرا بیست سال پس از استقرار جمهوری اسلامی، شاهد نقض گسترده حقوق مردم و اجرا نشدن قانون اساسی هستیم؟ آیا تجربه

قطعنامه بین الملل سوسیالیست در حمایت از خواست‌های ملی کردها

حزب دموکرات کردستان ایران، ترجمه فارسی قطعنامه گروه کار کردها در بیست و یکمین کنگره انترناسیونال سوسیالیست در مورد مساله کرد را انتشار داد. متن این قطعنامه چنین است:

«کنگره انترناسیونال سوسیالیست که در روزهای ۸، ۹ و ۱۰ در پاریس برگزار شد:

- مشاهده می‌کند که هیچ‌گونه تغییری در وضعیت کردها در خاورمیانه صورت نگرفته و حقوق کردها هنوز هم برسمیت شناخته نشده است.

- خاطر نشان می‌سازد که بدون در نظر گرفتن حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کردها در منطقه خاورمیانه، بویژه در کشورهای ترکیه، عراق و ایران، تأمین هرگونه صلح پایدار در این منطقه ناممکن است.

- یک بار دیگر بر پشتیبانی خود از حقوق مشروع کردها و همبستگی خود با نمایندگان دموکراتیک آنان تأکید می‌نماید.

ترکیه:

- یک بار دیگر بر مخالفت خود با مجازات اعدام تأکید می‌ورزد و از ترکیه که نامزد عضویت در اتحادیه اروپاست، می‌خواهد که موازینی را که در کشورهای دموکراتیک جاری است، در رابطه با محاکمه مبارزین سیاسی، به ویژه مبارزین سیاسی کرد، رعایت نماید.

- بشدت آرزومند است که ترکیه بتواند از رویدادهای اخیر برای پی‌ریزی حل سیاسی مساله کرد، با احترام به خواست‌های مشروع کردها، استفاده کند.

عراق:

- از تغییراتی که بدنبال قرارداد منعقد بین اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات کردستان پیش آمده، ابراز خوشحالی می‌کند. این دو حزب باید نهادهای دموکراتیک واحد در کردستان عراق را بازسازی کنند، نهادهایی که به کردها امکان خواهد داد که نقشی تعیین‌کننده در دموکراتیزه کردن عراق بازی کنند.

- نسبت به سرکوب و نقض حقوق بشر در عراق ابراز انزجار می‌کند.

ایران:

- مشاهده می‌کند که انتخاب پرزیدنت محمد خاتمی از جانب اکثریت مردم ایران بر اساس برنامه‌اش مبنی بر ایجاد اصلاحات و گشایش، با مخالفت روزافزون محافظه کاران که دستگاه‌های کلیدی دولت را در دست دارند روبروست و این که این مخالفت بصورت نقض شدید حقوق بشر، از جمله قتل مخالفان بویژه مخالفان کرد، ابراز می‌گردد.

- نسبت به نقض حقوق بشر و سرکوب اقلیت‌ها ابراز انزجار می‌کند و از مقامات ایرانی انتظار دارد که حقوق اقلیت‌ها به ویژه حقوق مشروع کردهای ایران را رعایت نموده و نسبت به آن‌ها احترام بگذارند.

- پشتیبانی خود را از حزب دموکرات کردستان ایران، عضو انترناسیونال سوسیالیست، حزبی که به ارزش‌های دموکراسی وفادار است، نسبت به وحدت ایران دل‌بستگی دارد و از هرگونه اقدام ترویرستی دوری جست و ترویرسم را رد می‌کند، اعلام می‌داریم.»

نامه جمعی از خانواده‌های داغدار و مصدومین آتش‌افروزی لوکال مقدونی‌ها به وزیر دادگستری سوئد در سالگرد فاجعه آتش‌سوزی:

پرونده این جنایت هولناک را روشن کنید!

جمعی از خانواده‌های داغدار حادثه آتش‌سوزی در شهر گوتنبرگ سوئد که در جریان آن ده‌ها نوجوان جان خود را از دست دادند و یا مصدوم شدند، در نامه سرگشاده‌ای خطاب به وزیر دادگستری سوئد، به روند رسیدگی به پرونده این حادثه اعتراض کردند.

خانم وزیر!

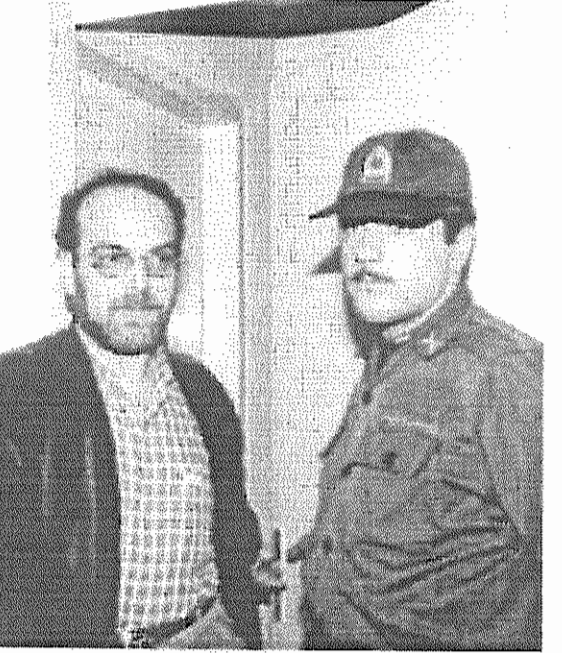
پیش از یازده ماه از حادثه وحشتناک و جانکاه آتش‌افروزی لوکال هسینگن در گوتنبرگ می‌گذرد. آیا طی این مدت طولانی، هیچ به اوضاع و احوال ما خانواده‌های داغدار مصدومین اندیشیده و از خود پرسیده‌اید بر ما چه گذشته است؟

آیا مسئولین و دست‌اندرکاران بررسی مدارک

جرم در راستای شناسایی مجرمین و مسببین آتش‌افروزی اقداماتی صورت داده‌اند که ما خانواده‌ها طی این زمان طولانی، محق به شنیدن حقایق تلخ نتایج کار آن‌ها نبوده باشیم؟... در طول یازده ماه آندوهبار و مشحون از بی‌عدالتی، ما والدین قربانیان و مصدومین حادثه، هواره شاهد اظہارات ضد و نقیض و اطلاعات گمراه‌ساز و مشغول‌دارنده مسئولین پلیس و آتش‌نشانی بوده‌ایم.

در بخش دیگری از این نامه چنین آمده است: ابهامات موجود و سناریوهای ساختگی، صحنه‌آرایی‌های مصلحتی، روان اکثر ما را آسیب‌پذیر کرده است. این صحنه‌سازی‌ها و رنگ‌آمیزی‌ها در رابطه با بی‌اطلاعی ما از علل آتش‌سوزی

بعد از تحمل ۱۵ روز زندان و با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی شمس‌الواعظین آزاد شد



ماشاءالله شمس‌الواعظین سردیر روزنامه عصر آزادگان که به حکم سعید مرتضوی قاضی دادگاه مطبوعات دستگیر شده بود، بعد از تحمل ۱۵ روز زندان چهارشنبه ۲۶ آبان ماه از زندان آزاد شد. سعید مرتضوی بعد از تعطیل روزنامه نشاط و محکوم کردن مدیر مسئول آن به ۳۰ ماه حبس تعلیقی، به سرانجام شمس‌الواعظین رفت و او را به اتهام «جعل امضا» باقرزاده به زندان فرستاد. پیش از این باقرزاده اعلام کرده بود نامه و امضاء نامه از اوست و هیچ جعلی صورت نگرفته است. در جریان دادگاه، مرتضوی سیف‌زاده یکی از وکلای شمس را نیز به اتهام «اغتشاش» بازداشت کرد و به مدت ۵ روز به زندان فرستاد. این اقدام خودسرانه قاضی دادگاه، واکنش اعتراضی وکلا را به دنبال آورد.

در جریان بازداشت و محاکمه شمس‌الواعظین، روزنامه‌نگاران کشور با برگزاری چندین مراسم اعتراضی نسبت به رفتار دادگاه مطبوعات علیه وی اعتراض کردند و خواهان آزادی

او شدند. از جمله در مراسمی که بنا به دعوت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در خانه شمس‌الواعظین برگزار شد، حضور یافتند و رجبعلی مرزوعی دبیر انجمن صنفی بازداشت شمس‌الواعظین را محکوم کرد.

جلسات دادگاه شمس بسیار پر تنش و در میان درگیری‌های لفظی شدید قاضی مرتضوی با شمس‌الواعظین و وکلایش سپری شد و نتیجه دادگاه که بدون حضور هیات منصفه برگزار شد هنوز اعلام نشده است. در حالی که مرتضوی دادگاه شمس‌الواعظین را «غیرمطبوعاتی» اعلام کرده بود، شمس‌الواعظین اعلام کرد بدون حضور وکیل مدافع در دادگاه دفاع نخواهد کرد.

آگاهان می‌گویند با توجه به این که تلاش محافظه کاران برای دور کردن شمس‌الواعظین از فعالیت‌های مطبوعاتی، علیرغم تعطیل به روزنامه او نتیجه نداد، این بار قصد دارند با زندانی کردن وی، به مقصود خود دست یابند.

جبهه مشارکت اسلامی: شدیداً نگرانیم!

ادامه از صفحه اول

دسترسی باشد تا بتواند متناوب جرم و مجازات را میان آمران، طراحان، مباشران و عاملان جنایت توزیع نماید. در این اطلاعیه آمده است: نگرانی دیگر جبهه مشارکت، در مورد رسیدگی به این پرونده، ظرفیت دستگاه قضایی است. در طول تاریخ انقلاب اسلامی پرونده‌ای به این پایه از اهمیت در سطح ملی مطرح نبوده است. این پرونده برای پیگیری نیازمند اراده قدرتمند سیاسی و قضایی برای کشف حقیقت بوده و روند کندی که امروز در این باب مشاهده می‌شود ناشی از فقدان چنین اراده قدرتمندی در سازمان قضایی نیروهای مسلح است. اگر شبکه پیچیده حزب توده نیز مطرح بود، ظرف دو یا سه ماه منحل می‌شد و اگر قضیه کودتای نوژه نیز بود، ظرف شش ماه فیصله می‌یافت. درباره یک محفل محدود و محصور که همه اطلاعات آن در درون یک سازمان دولتی و در سینه مسئولان آن نهفته است، چرا باید یکسال از این پیگیری بگذرد و هنوز دورنمای روشنی از این پرونده پیش رو نباشد؟ جبهه مشارکت اسلامی نوشته است: آنچه روشن است، آمران، طراحان، مباشران و عاملان متعددی در این پرونده نقش داشته‌اند و از این جهت رسیدگی دقیق قضایی به آن نیازمند وجود قاضی شجاع و مستظفر به اراده‌ای قضایی مبنیث از عزم ملی است. رسیدگی به این پرونده باید در دادگاهی علنی و در انتظار عمومی صورت گیرد.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: شدیداً نگران آن هستیم که مسئولیت بعیده رییس جمهوری باشد اما اختیار و اقتدار لازم در دسترس ایشان نباشد. مسئولیت این رفع نگرانی بعضاً برعهده شخص رییس جمهوری و بعضاً برعهده مواعی است که پیش‌روی اشراف‌کامل رییس جمهوری، بر این پرونده نهاده می‌شود.

به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس: انحصار دولتی بر بانک‌ها و شرکت‌های بیمه پایان یافت

شرایط رقابتی، بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، زمینه فعالیت بانک‌های غیردولتی را فراهم آورد. بانک غیردولتی جمهوری اسلامی ایران مسئول نظارت بر فعالیت بانک‌های غیردولتی است.

مجلس هم‌چنین با پیشنهاد دولت درباره تشکیل شرکت‌های بیمه غیردولتی موافقت کرد. بر اساس ماده ۹۴ قانون برنامه سوم

در حالی که اختلافات اکثریت مجلس با دولت در مورد لایحه برنامه سوم توسعه، امکان پی گرفته شدن این لایحه از سوی دولت را به میان آورده است، روز پنجشنبه گذشته نمایندگان مجلس در اقدامی که از سوی برخی محافل «غیرمنتظره» خوانده شد، پیشنهاد دولت برای پایان دادن انحصار دولتی بر آنچه «بازار پول، سرمایه و

کشور شهید شدند بلکه آثار روانی ماندگار و ویرانی‌های اقتصادی فراوان بر جای گذارد. امروز دیگر سرمایه‌های ما پاسخگوی نیازها نیست و به سرعت در حال پایان یافتن است. در این شرایط، تا توانستیم از دین و مقصدات نیز هزینه کرده‌ایم. نسل جدید ما به اعتراف گزارش‌ها به سویی دیگر می‌رود. فقر و بیکاری بخشی از جامعه را فلج کرده است. اعتیاد همچون بلائی، دامن‌گسترده و بزهکاری و فساد در لایه‌های اجتماعی و حتی مدیریت رخنه کرده است. کشوری که هر روز سرمایه‌های مادی و معنوی خود را هزینه می‌کند دیگر تحمل تنش و خشونت را ندارد. ما در چنین شرایطی به نوعی خودزنی رسیده‌ایم و هر روز یک نفر را به محکمه و محرومیت می‌کشانیم. دنیا با مشاهده حذف‌های بی‌دری، درباره ما چه داوری خواهد داشت؟ آیا، برداشت عمومی این نخواهد بود که جمهوری اسلامی فرصت‌طلبانی را برای این ملت از ظلم و استبداد را فراهم کرد. اما ترورها، تخریب‌طلبی‌ها و از همه بدتر جنگ ۸ ساله تحمیلی - که از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم بود - موانعی جدی در راه آرمان‌های مردم ایجاد کرد. جنگ جهانی، چهارسال طول کشید اما در جنگ ۸ ساله ایران و عراق، نه تنها بهترین جوانان

تفکر حذف، چون موریانه‌ای به جان کشور افتاده است

حاکمیت است.

۱۵ - تسلط و چاپلوسی - موجب زوال ارزش‌های انسانی و نابودی بنیان‌های نظام خواهد شد - و از ایترو، ترویج و تکریم مقوله «تقد و انتقاد» در راستای سیاسی باورها و استحکام نظام سیاسی، فوریت و ضرورت دارد. بر همین مبنا وظیفه حکومت است که افراد متسلط را طرد و از منتقدان تجلیل کند و نه بالعکس.

۱۶ - تنش‌زدایی با همه دولت - ملتهای جهان براساس منافع ملی و بر مبنای اهمیت گفتگوی تمدن‌ها، در همه حیطه‌ها ضروری است.

عبدالله نوری در بخش پایانی دفاعیه خود گفت: ملت ما یکصدسال است که برای آزادی و مردم‌سالاری مبارزه می‌کند. انقلاب اسلامی فرصت‌طلبانی را برای این ملت از ظلم و استبداد را فراهم کرد. اما ترورها، تخریب‌طلبی‌ها و از همه بدتر جنگ ۸ ساله تحمیلی - که از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم بود - موانعی جدی در راه آرمان‌های مردم ایجاد کرد. جنگ جهانی، چهارسال طول کشید اما در جنگ ۸ ساله ایران و عراق، نه تنها بهترین جوانان

شود که «حقیقت»، تنها در نزد اوست.

۲ - معرفت دینی، امری نسبی و قرائت‌های متنوع و متکثر از دین، مقدور و ممکن است.

۳ - دینداری بدون اکراه و اجبار، اعتلا و تحقق جوهره دین یعنی ایمان و تجربه دینی را محقق می‌کند.

۴ - هیچ خط قرمزی در طرح مباحث نظری و مسائل سیاسی جز آنچه که قانون اساسی به صراحت مشخص و تبیین کرده، وجود ندارد و هیچ مقامی، مصون از انتقاد و سؤال نیست.

۵ - ایران از آن همه ایرانیان، ادای حقوق اساسی شهروندان، حق مشروع و قانونی آنان و گفت‌وگو میان همه نیروهای اجتماعی، مقوله‌ای ضروری و لازم است.

۶ - در چهارچوب شرع، قسان و اخلاق، سبک‌های گوناگون زندگی متصور و میسر است. هیچکس نمی‌تواند و نباید سبک زندگی خود را به نام «شریعت» به دیگران تحمیل کرده آن را قطعی بخواند.

۷ - حقوق فرهنگی جز حقوق اساسی شهروندان است و اصل فرهنگ، دیدگاهها و سلیقه‌های متفاوتی دارند. فرهنگ

ادامه از صفحه اول

می‌دهند. به نوشته روزنامه خرداد در جلسه سه جانبه‌ای که از سوی مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی تشکیل شده، پیرامون حکم عبدالله نوری مباحثاتی صورت گرفته است و نتیجه آن شده است که تصمیم‌گیری در این مورد بر عهده هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه قرار گیرد.

بازتاب‌های متفاوت

دفاعیات عبدالله نوری در دادگاه ویژه روحانیت، بازتاب گسترده‌ای در ایران یافته است. در حالی که جناح چپ‌گرایان اصلاح‌طلبان حکومتی، از این دفاعیات به عنوان «سندی ماندگار» نام برده و همبستگی و موافقت خود را با آنچه عبدالله نوری در دادگاه بر زبان آورد اعلام کرده‌اند، محافل وابسته به جناح محافظه کار و ضد آزادی جمهوری اسلامی، این دفاعیات را نشانه بارزی از «استحاله» عبدالله نوری و جدایی او از «نظام» ارزیابی کرده‌اند. محافظه کاران می‌گویند عبدالله نوری با دفاعیات خود از یک کارگزار نظام به سطح یک مخالف «سقوط» کرد. در این میان مواضع بخش‌های محافظه کارتر اصلاح‌طلبان تامل برانگیز است. دفاعیات آتشین عبدالله نوری و از جمله حمایت او از حقوق مخالفین، به مذاق این

گروه از اصلاح‌طلبان نیز خوش نیامده است و حمایت آنان از عبدالله نوری به طور آشکاری فروکش کرده است. برخی از جریان‌ها و احزاب نظیر کارگزاران سازندگی اعلام کرده‌اند اگر عبدالله نوری محکوم شود، او را از فهرست کاندیداهای پیشنهادی خود برای مجلس حذف خواهند کرد. در میان افراد معرفی شده از سوی برخی دیگر از این جریان‌ها، نام عبدالله نوری اساساً به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که لایه‌های رادیکال و روشنفکر مذهبی، و از جمله «روشنفکران دینی» نام عبدالله نوری را در صدر فهرست خود قرار داده و او را به عنوان ریاست مجلس پیشنهاد کرده‌اند.

در برابر برخوردهای متزلزل طیف «اصول‌گرا»، دوم خرداد، بیش از صد تن از شخصیت‌های ملی و مذهبی کشور نیز واکنش نشان داده و با انتشار بیانیه سرگشاده‌ای از اصلاح‌طلبان خواستند «با تمام قوا» از عبدالله نوری حمایت کنند.

آخرین دفاع

عبدالله نوری در آخرین دفاعیه خود که به صورت کتبی به دادگاه ارائه شد، اصول اعتقادی و سیاسی مورد دفاع خود را چنین جمع‌بندی کرد:

۱ - هیچکس نمی‌تواند مدعی

فصلت‌نمایی فلسفه سیاسی چپ امروز

ب. کیوان
بخش پایانی

سروش‌شان و بنیان نهادن اقتصاد ملی مستقل بازمی‌دارد.

دولت نباید تنها «قدرت قابل پرداخت» بخشی از جمعیت را اساس برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی خود قرار دهد و بقیه جمعیت کشور را که از چنین قدرتی محروم‌اند، ندیده بگیرد. نمونه هند در این زمینه گویاست. زیرا هند در دهه هفتاد بعنوان هشتمین کشور صنعتی شده دنیا که از تکنولوژی پیشرفته و موسسه‌های مدرن و سودآور سرمایه ملی برخوردار بود، بیش از نیمی از جمعیت آن زیر خط فقر و دست کم یک چهارم جمعیت در فقر عمیق زندگی می‌کردند. سرمایه‌های هندی برای خود سودآور می‌دانست که ثروت‌های مورد مصرف پیشرفته را برای ۱۵٪ جمعیت که قدرت خرید بیشتر داشتند و بازاری در حدود صد میلیون نفر را تشکیل می‌دادند، بکار اندازد و هرگز این ثروت‌ها را به شکل انبوه و با سود بسیار ناچیز برای اکثریت انسان‌های ساکن کشور بکار نگیرد؛ زیرا تقاضای این مردمان قابل پرداخت نبود و آن‌ها به عنوان بازیگران اقتصادی به حساب نمی‌آمدند.

بدیهی است که دموکراسی در این وضعیت تنها به بخشی از مردم (مانند مورد هند به صد میلیون جمعیت) که از قدرت قابل پرداخت برخوردارند، محدود می‌گردد. بنابراین همان‌طور که کارل پولانی گفته است، دولت نباید اقتصاد را از مجموعه اجتماعی خارج کند و آن را به چیزی در نفس خود تبدیل نماید که قاعده‌های کارکرد آن بر همه کارکردهای جامعه غلبه کند. پس به جای قراردادن جامعه در خدمت اقتصاد باید راه‌های گنجاندن دوباره اقتصاد را در مجموعه اجتماعی جستجو کرد تا بتوان آن را به طرف هدف‌های کلی تر که از نیازهای خصوصی فراتر می‌رود، سمت و سواد. او به عنوان یک غیر مارکسیست منتقد «سوسیالیسم موجود» تأکید می‌کرد که سوسیالیسم بر سرمایه‌داری برتری دارد.

چپ نواندیش در کارزار مبارزه برای ایجاد جامعه آزاد و دموکراتیک با جریان‌های دیگر سیاسی - اجتماعی مرزبندی دقیقی دارد و از این رو، تنها دولت اجتماعی حقوقی مردمان را که ویژگی‌های آن به اختصار برشمرده شد، دولت واقعی زحمتکش و توده‌های استثمار شونده و ستمدیده می‌داند و با تکیه بر آن‌ها نیروهای آنان را در این راه بسیج می‌کند. اما مبارزه برای رسیدن به این چشم‌انداز به هیچ وجه به معنای چشم فرو بستن به راه دراز و پرنشیب و فرازی که در پیش است، نیست. از این رو، هر تحول تحت تأثیر انواع جنبش‌های اجتماعی به سوی آزادی و دموکراسی را به دقت نقد و ارزیابی می‌کند و از جنبه‌های مثبت آن حمایت و پشتیبانی می‌نماید. زیرا تحول‌های اجتماعی روندی تدریجی و فارغ از جهش ناگهانی است.

عدالت اجتماعی - در فلسفه سیاسی چپ عدالت اجتماعی جای شاخصی دارد و مهم‌ترین محور آن را تشکیل می‌دهد. بدون داشتن دید و فهم روشن از عدالت اجتماعی از منظر چپ مرزبندی آن با سایر دیدگاه‌ها در این زمینه مشخص نمی‌شود و اختلاط مخدوش‌کننده‌ای بین مواضع و برداشت‌های مختلف بوجود می‌آید.

عدالت اجتماعی در شعار سیاسی چپ معطوف به مبارزه در راه تأمین حداکثر ممکن منافع زحمتکشانی یدی و فکری و توده‌های محروم جامعه در کار و فعالیت زندگی اجتماعی است. بنا بر منطق فلسفه سیاسی چپ تأمین عدالت اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی تنها تکیه روی رشد اقتصادی نیست، بلکه تأکید بر «توسعه اقتصادی» است. این توسعه رشد موزون اقتصادی و اجتماعی را در ارتباط با منافع توده‌های مردم در نظر دارد و به تأمین خواسته‌ها و منافع طبقاتی گروهی صاحب امتیاز و دولتمند محدود نمی‌گردد. این تکیه و تأکید بحث پیرامون رابطه اقتصاد و سیاست را پیش می‌کشد. زیرا چگونگی این رابطه جامعه را در رسیدن به هدف‌های واقعی عدالت اجتماعی دور یا نزدیک می‌کند.

از پس از جنگ دوم جهانی تا دهه ۷۰ اقتصاد نسبتاً تحت تأثیر سیاست قرار داشت. به موهبت گنجدگی نسبی اقتصاد در سیاست تحول عظیمی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری اروپا در زمینه تأمین مسکن، بیمه درمانی، بیمه پیری، بهداشت و آموزش عمومی، تأمین حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی، تقلیل ساعت کار، توسعه نهادهای فرهنگی و هنری، توسعه کتابخانه‌ها به هزینه عمومی بوجود آمد. ولی از آن پس رفته رفته اقتصاد از سیاست مستقل و در عرصه‌های مهم بر آن چیره شد. پس منظور از تبعیت اقتصاد از سیاست این است که سروشت جامعه و مردم به «دست نامرئی» موهوم بازار به مثابه یگانه تنظیم‌کننده امور سپرده نشود و از عتبات گسیختگی اقتصاد و عقلانیت ضد دموکراتیک آن جلوگیری به عمل آید. بر این اساس سازماندهی اقتصاد به وسیله سیاست عبارات از پیروی از نیازهای مدیریت سرمایه به سود یک‌جانبه آن نیست. مسئله عبارت از مدیریت است که به بی‌عدالتی و شکاف در جامعه دامن‌زدند و راه تدریجی دست‌یافتن به عدالت اجتماعی واقعی را هموار سازد.

در فلسفه سیاسی لیبرالیسم اقتصاد و لیبرالیسم نو برابری در بازار یگانه راه برابری بی‌ابهام و ستودنی تعریف شده است، حال آن‌که این «برابری» خود را مسئله‌برانگیزترین برابری نشان می‌دهد. آدام اسمیت بنیان‌گذار مکتب کلاسیک در اقتصاد که ابتدا جانتادار نظریه برابری در بازار بود، سرانجام اسطوره «برابری در بازار و مبادله» را که خود آن را ساخته بود، متزلزل کرد. با این همه این اندیشه در فکر لیبرال‌های بعدی و لیبرال نو هیچ انعکاسی ندارد.

هرچند این موضوع واقعیت دارد که خواست برابری مادی ذاتاً متضاد جلوه می‌کند، اما نابرابری و بی‌عدالتی فوق‌العاده در نفس خود برابری حقوقی در عرصه سیاسی را زایل می‌سازد. بی‌توش و توان بودن آزادی‌های سیاسی در کشورهای عقب‌مانده و نادر گواد روشنی بر این مدعاست. بی‌جهت نیست که اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ که تحت تأثیر پیروزی پر فائسیم به تصویب رسید، روی «حقوق اجتماعی و سیاسی» تأکید بسیاری دارد. این حقوق تنها در شرایط تبعیت امر اقتصادی از امر سیاسی تأمین می‌گردد. از این رو، «رابطه آزادی با نیاز» به مفهوم اساسی تبدیل شده است. زیرا نابرابری شرایط اقتصادی و اجتماعی باعث می‌شود که آزادی حقوق صوری اعتبار خود را از دست بدهد. اصل برابری در خود انسان موضوعی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید و این البته نه از آن رو که به طبیعت انسان رجوع شود و بر این پایه داور می‌گردد، بلکه از این رو که این برابری به طبیعت ثانوی و دستاوردهای تاریخی انسان تبدیل شده که هیچ حرکت ارتجاعی با همه کامیابی ممکن تاکتیکی و مقطعی نمی‌تواند آن را به‌طور استراتژیک از صحنه زندگی اجتماعی بربورد. در واقع «کسی که از گرسنگی مفرط و بی‌غذایی تا سرحد مرگ رنج می‌برد، بی‌تردید در شرایط «فقدان کلی حقوق» عینی قرار دارد که در آخرین تحلیل با شرایط برده فرق ندارد» (هگل).

پس برقراری آزادی از برقراری حداقل برابری جدایی‌ناپذیر است. افراد ممکن است از حیث حقوقی آزاد باشند، اما از حیث اقتصادی در عسرت زندگی‌کنند. در این صورت آن‌ها با وجود برخورداری از آزادی بنا بر موزاين مسووب حقوقی در وضعیت بردگی قرار می‌گیرند. در این جا باز شکل رابطه اقتصاد و سیاست مطرح می‌گردد. چالش چپ و نیروهای راست و محافظه کار

بر سر چگونگی این رابطه است. از نظر چپ شانس‌های مشارکت در صورتی که افراد از موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسب برای استفاده از آن چه قوانین و حقوق اساسی برایشان مقرر کرده، برخوردار نباشند، وعده توخالی باقی می‌ماند. و این کار جز از راه کنترل سودورزی افسارگسیخته سرمایه بوسیله دولت و نهادهای توده‌ای دموکراتیک ممکن نیست. لیبرال‌هایی چون هابک به شدت با این نظر مخالف‌اند و معتقدند که «استبداد هنگامی آغاز می‌گردد که دولت نابرابری‌های فاحش در سطح اقتصادی و اجتماعی را امری صرفاً خصوصی تلقی نکند». در واقع آن‌ها «قطب‌بندی فوق‌العاده زیاد فقر و ثروت را منحصراً ناشی از قلمرو خصوصی» می‌دانند.

محافظه‌کاری جدید با چنین برداشتی از رابطه اقتصاد و سیاست در زدودن نه تنها آثار چشمگیر جنبش کارگری و سوسیالیستی، بلکه هم‌چنین در زدودن آثار انقلاب فرانسه و اندیشه برابری و برادری و «دولت رفاه» و غیره با راست قدیم و جدید همکاری و همفکری دارد.

زدودن مسیرات جنبش دموکراتیک سوسیالیستی عمیقاً با مفهوم انسان و حقوق بشر در تضاد است؛ زیرا وقتی از حقوق بشر و شهروند صحبت می‌شود، به معنای این است که ما با فرهنگ سیاسی پیشرفته سروکار داریم که در آن انسان در کلیت مطرح است. چپ دموکراتیک با چنین فرهنگی پیوند دارد. اما سنت لیبرالی هنگامی که دادن هر معنی اقتصادی و اجتماعی به مقوله برابری را نفی می‌کند و حقوق شهروندی را تنها در برابری حقوق سیاسی خلاصه می‌کند، دقیقاً اصل دو وجهی بودن برابری در اقتصاد و سیاست را ندیده می‌گیرد.

با این همه، علیرغم این سنت سیر حوادث پس از جنگ دوم جهانی به تدریجی پیش رفت که لیبرالیسم اقتصادی را پس نشاند، بطوری که چهره دموکراسی‌های غرب در مقایسه با گذشته آن بسطورت کیفی متمایز گردیده است. این دگرگونی‌ها از آن رو به جنبش‌های کارگری و سوسیالیستی وامدار است که به اعتراف پوپر «بخش بسیار مهمی» از درخواست‌های برنامه‌ای مانیفست حزب کمونیست را عملی ساخته است. یکی از بردارهای مهم دادن معنی اقتصادی و اجتماعی به مقوله برابری همانا برقراری «مالیات بر درآمد قویاً تصاعدی یا نسبی» است. این رویداد مهم بخصوص در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نشان می‌دهد که دموکراسی سیاسی بدون پایه عدالت اجتماعی سخت‌ناستوار و متزلزل است. به بیان دیگر، آزادی و برابری بدون «درآمد مناسب» صوری باقی می‌ماند.

در شرایط ویژه کنونی که لیبرالیسم نو زندگی زحمتکش را در همه عرصه‌ها در معرض خطر قرار داده، مسئله صوری بودن حقوق و آزادی که مارکس بر آن تأکید داشت، برجستگی خاصی می‌یابد. بدین ترتیب، با قطعیت می‌توان گفت که سنت دموکراتیک سوسیالیستی هنوز از توانایی‌های بسیار زیادی در کمک به تدارک مفهوم عمومی انسان برخوردار است. مفهوم می‌کند سنت لیبرالی از ابتدا با محورهای اساسی آن مخالفت کرده است.

با این همه، علی‌رغم مقاومت‌های جدی و سرسخانه‌ای که سنت لیبرالی در پذیرش مفهوم این کلیت (مفهوم عمومی انسان) از خود نشان داده است و می‌دهد، دستاوردهای عظیمی تحت تأثیر جنبش کارگری و سوسیالیستی در زمینه حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بدست آمده که نشانه‌های بارزی از تحقق مفهوم عمومی انسان و تأمین شمار مهمی از عنصرهای عدالت اجتماعی است.

جنبش دموکراتیک سوسیالیستی در تدارک مفهوم عام انسان در عرصه شخص یا فرد نیز سهم قطعی داشته است. این موضوع از دیرباز مورد انتقاد نظریه‌پردازان مختلف و لیبرالی بوده است. چنان‌که نیچه هنگامی که موضوع «برابری مشخص» را به حساب سوسیالیسم می‌گذاشت، می‌دانست که غرض از آن تأیید این نکته است که هر عضو نوع بشر باید به عنوان شخص نگریسته شود. او در مخالفت با آن می‌گفت که «اغلب مردم به هیچ وجه در شمار شخص نیستند»، «تنها برخی‌ها جز شخص» به حساب می‌آیند. بورکه یکی دیگر از این نظریه‌پردازان زحمتکش روس‌ها را «بازار گنگ» می‌دانست. نیچه هم ضمن بحث درباره صنعت، کارگران را «آلت نقل» تعریف کرده است. سی‌س مزدباز را «ماشین کار» توصیف می‌نمود. ماندویل و نیچه هر یک به

تربیتی آموزش عمومی را برای زحمتکش‌ها را نفی می‌کردند.

در زمان ما هابیک سخنگو و نظریه‌پرداز تراز نخست لیبرالیسم نو که به شدت با مفهوم عمومی انسان و هنجار مشخص آن مقوله «عدالت اجتماعی» مخالف می‌ورزد «تصمیم انحصاری دولت در عرصه‌های تأمین اجتماعی را به خاطر وجهه سوسیالیستی آن و «عدول از اصول لیبرالی» محکوم می‌کند و اقدام در زمینه «وضع مالیات تصاعدی برای باز تقسیم درآمد‌ها به نفع طبقه‌های بسیار فقیر» را آلودگی تحمل‌ناپذیر جامعه غربی می‌داند.

بر پایه چنین نظریه‌هایی است که لیبرالیسم نو «عقلانیت اقتصادی» را جانشین «عقلانیت اجتماعی» کرده و جهان را به لبه پرتگاه «بربریت» کامل سوق داده است. نشانه‌های بارز این «بربریت» تولیدگرایی جنون‌آمیز، سوداگرگری‌های مالی، غارت و تخریب محیط زیست، فروش کودکان و زنان، داد و ستد عضوهای انسان، تجارت جنین، تجارت مواد مخدر و آلودگی و دستکاری مواد غذایی و غیره است.

چپ برای مقابله با این روند و مبارزه با عقلانیت اقتصادی که به نابودی فردیت و تسدیل انسان به شی و از خودبیگانگی همه‌جانبه‌آمیز می‌انجامد، باید همه نیروهای ذینفع جامعه را در راه عقلانیت اجتماعی بسیج کند؛ زیرا تأمین عدالت اجتماعی در پرتو این عقلانیت امکان‌پذیر نیست.

به کوتاه سخن، نگرش چپ به «عدالت اجتماعی» با همه نگرش‌های دیگر اجتماعی - سیاسی دارای این تفاوت اساسی است که به آن از نظم منافع زحمتکش‌ها و توده‌های محروم و ستمدیده جامعه می‌نگرد و در هر سره از برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی ملی آن در یک پیوند دیالکتیکی اساس دگرگونی ساختاری جامعه قرار می‌دهد، به نحوی که تعرض آمیز نباشد. بدیهی است این نگرش با نگرش‌هایی که زیر نام برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی ملی منافع صاحبان ثروت و سرمایه را اساس کار قرار می‌دهند، تضاد فاحش دارد.

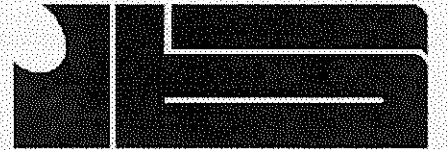
در شرایط کنونی چپ در زمینه برنامه‌ریزی ملی از آن رو با طرح تعدیل ساختاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و الحاق دست و پا بسته به سازمان تجارت جهانی مخالفت می‌ورزد که آن را از یک سو به زیان منافع بنیادین زحمتکش‌ها و دور شدن از آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی می‌داند و از سوی دیگر، اجرای این طرح‌ها پایه‌های پیرامونی بودن کشور ما را بازسازی و تحکیم می‌کند.

چپ در پرتو این مخالفت و تقادی که موجب بیداری توده‌های مردم می‌گردد، نوعی همبستگی کثرت‌گرایانه فعال با سازماندهی مردمان، کودکان، بیکاران، مطرودان، ستمدیدگان، کارگران، دهقانان، سکنه به فقر کشیده شهر، کسبه خرده‌پا، بی‌خانمان، طبقه‌های متوسط از هستی ساقط شده، حاشیه‌نشینان شهرها بوجود می‌آورد که قادر است سرمایه‌های ملی و فراملی را به سود آنان به خدمت طرح‌ها و نوآوری‌های ملی درآورد و مانع از غارت منابع و امکان‌های ملی توسط این سرمایه‌ها گردد.

گوهر اندیشه چپ نقد عدالت است و این نقد را در هر سامان اجتماعی برای تأمین حقوق شهروندی و ژرفش آزادی، دموکراسی، برابری، برادری بکار می‌گیرد.

بردارهای شاخص تأمین عدالت اجتماعی در جامعه عبارتند از:

- ۱- مبارزه در راه آزادی و دموکراسی دموکراتیک.
- ۲- مبارزه در راه توزیع قدرت و تأمین مشارکت توده‌های مردم در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.
- ۳- مبارزه در راه بسیمه‌های اجتماعی، درمان، بازنشستگی، از کار افتادگی، حقوق بیکاری و تأمین بهداشت و آموزش عمومی.
- ۴- مبارزه با ایدئولوژی لیبرالیسم نو و لیبرالیسم اقتصادی در سیاست داخلی و خارجی.
- ۵- مبارزه برای گنجاندن اقتصاد در سیاست.
- ۶- تلاش برای برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی ملی بر بنیاد منافع زحمتکش‌ها و محیط زیست.
- ۷- کنترل بازار از راه تأمین نظارت ملی.
- ۸- مبارزه با تولیدگرایی و سوداگری‌های مالی.
- ۹- مبارزه برای تبعیت سرمایه‌های خارجی از برنامه‌های ملی و نه برعکس.



چهارشنبه ۲۳ آذر ۱۳۷۸ - ۲۴ نوامبر ۱۹۹۹ دوره سوم - شماره ۲۲۱
 KAR. No. 221 Wednesday 24. Nov. 1999
 G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس: Postfach 260268
 50515 Köln
 Germany

I.G.e.v آدرس: 22 44 20 32
 37 05 01 98
 Stadtparkasse Köln
 Germany

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136

http://www.fadai.org
 fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت:
 آدرس پست الکترونیکی:

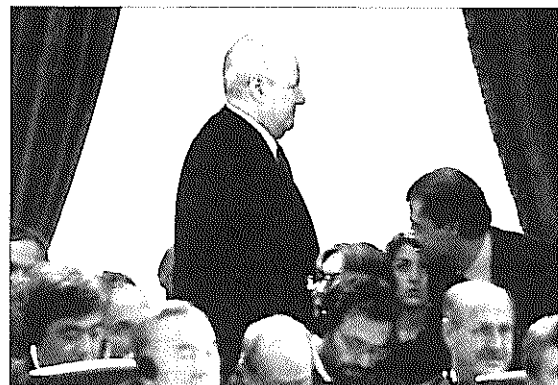
تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان
 بهای اشتراک:

اروپا: شش ماه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

اجلاس سازمان امنیت و همکاری اروپا برگزار شد

در استانبول چه گذشت؟



اروپا مبنی بر قرارداد جدید کاهش نیروهای غیر هسته‌ای و منشور امنیت و همکاری اروپا موسوم به منشور استانبول بود. در روز پنجشنبه گذشته امضای قرارداد کاهش نیروهای غیر هسته‌ای به دلیل عدم موافقت روسیه در زمینه تقلیل نیروهای خود در منطقه قفقاز با دشواری مواجه شد. دولت روسیه با عنوان اینکه قرارداد در زمان شوروی به امضا رسیده و تأمین‌کننده احتیاجات امنیتی فدراسیون روسیه نیست به محدودیت‌های متن قرارداد اعتراض داشت.

پس از مذاکرات دیپلماتیک، همان شب هیات روسی اعلام کرد با پایان یافتن درگیری‌های منطقه چرخش به سمت همکاری با روسیه در شمال قفقاز عمل خواهد کرد. تعهد هیات روس در این زمینه با توافق دیگر کشورهای طرف قرارداد روبرو شد و روز جمعه هیات‌های نمایندگی ۳ کشور این قرارداد را امضا نمودند. در متن جدید قرارداد سهمیه نیروهای نظامی غیرهسته‌ای

روسی به میزان ۹ درصد نسبت به قرارداد پیشین کاهش یافته است. در این قرارداد سقف نیروهای نظامی ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی به ۱/۲ درصد یعنی ۲۷۹۵ دستگاه تانک، ۳۱۲۰ خودروی زرهی، ۷۵۰ فرورند جنگنده و ۱۳۰ هلی‌کوپتر کاهش داده شد. موضوع اصلی اجلاس مربوط به منشور جدید سازمان امنیت و همکاری اروپا (منشور استانبول) بود. به موجب این منشور نهادها و مؤسسات جدیدی در چارچوب سازمان امنیت و همکاری اروپا در شرایط بحرانی و اضطراری تشکیل می‌شود و مکانیزم‌های لازم برای کمک به بهبود وضع انسانی بعد از بروز اختلاف و جنگ‌های احتمالی منطقه‌ای ایجاد خواهد شد. این منشور در ارتباط با مسائل حقوق بشر مداخله کشورهای عضو در دیگر کشورها را مجاز دانسته است. هنوز معلوم نیست این سازمان در مورد مسئله نقض حقوق بشر و سرکوب مردم کرد ترکیه چه عکس‌العملی نشان خواهد داد.

خواهان قطع فوری عملیات نظامی روسیه در چین شده و بر حل مسئله از طریق سیاسی تأکید کردند. درست زمانی که شکست

تداوم مذاکره صلح تأکید کردند. بنا بر گزارش روزنامه حریت: کوچاریان تشکیل یک سیستم امنیتی در شمال قفقاز با مشارکت تمامی کشورهای منطقه را حائز



کنفرانس قطعی بنظر می‌رسید، مادلین البرایت وزیر خارجه آمریکا پنجشنبه شب اعلام کرد: «ایران» وزیر خارجه روسیه منشور استانبول را امضا خواهد کرد. گفته می‌شود جلب توافق

اهمیت دانست و حل مساله قریب‌تر به نفع هر دولت ملت آذربایجان و ارمنستان توصیف کرد. هنوز روشن نیست دو طرف پس از ملاقات جدا گانه با پیل کلینتون در خصوص تشکیل پیمان امنیتی منطقه‌ای به توافق رسیده‌اند یا نه.

طی مراسمی قرارداد خط لوله انتقال نفت «باکو - جیهان» با حضور سلیمان دمیرل، حیدر علی‌اف، ادوارد شوارنادزه و پیل کلینتون به امضا رسید. هزینه اجرای این پروژه ۲/۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود و ظرفیت انتقال این خط لوله ۵۰ میلیون تن در سال خواهد بود. در همین مراسم بیانیه سه‌جانبه مقامات روسی، آلمانی و فرانسوی حاصل گردیده است. روسیه بارد میانه‌جگری سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورد مسئله چین، صرفاً «قول» حل سیاسی آن را به این سازمان داد.

آنجده در «حاشیه» گذشت مهمتر از خود اجلاس بود

«حیدر علی‌اف» رئیس جمهور آذربایجان با «روبرت کوچاریان» رئیس جمهور ارمنستان دیدار کرد. در این ملاقات رؤسای جمهوری دو کشور بر حسن نیت خود برای

دمیرل: با امضای این قرارداد طرف‌های ذریبط «اراده سیاسی» خود را برای انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی از مسیر مطمئن و اقتصادی به اثبات رساندند.

روسیه برای امضای این منشور در پی مذاکرات سه‌جانبه مقامات روسی، آلمانی و فرانسوی حاصل گردیده است. روسیه بارد میانه‌جگری سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورد مسئله چین، صرفاً «قول» حل سیاسی آن را به این سازمان داد.

یوگسلاوی گفت: تنها کشورهای اروپایی باید در مورد آینده اروپا تصمیم‌گیری کنند و مداخله آمریکا تحت لوای ناتو در یوگسلاوی نشان داد که اینگونه مداخله تا چه اندازه خطرناک است.

یلتسین عصر پنجشنبه بدون امضا منشور و به نشانه اعتراض به سخنان کلینتون در مورد چین و حق مداخله تمامی کشورها در امور مربوط به حقوق بشر، اجلاس را ترک کرد و عازم مسکو شد.

سران کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس نیز طی بیانیه‌هایی

دریای خزر به بازارهای جهانی از مسیر مطمئن و اقتصادی به اثبات رساندند. نیویورک تأیید در تحلیل این قرارداد نوشت: امضای توافقنامه یک پیروزی برای سیاست خارجی آمریکا است. احداث خط لوله «باکو - جیهان» جمهوری‌های حاشیه خزر را از روسیه دور کرده و به آمریکا نزدیکتر می‌کند.

روزنامه فرانسوی فیگارو در خصوص امضای این قرارداد نوشت: از آغاز دهه ۹۰ روسیه و آمریکا بر سر کنترل منابع نفتی قفقاز در جنگند. روس‌ها از این قرارداد عصبانی هستند. با این قرارداد روابط با ترکیه تحکیم، ایران ایزوله و از وابستگی جمهوری‌های منطقه به روسیه کاسته می‌شود.

● «سیمپتیس» نخست‌وزیر یونان با «بولنت اجویت» نخست‌وزیر ترکیه دیدار کرد و گفت: دو کشور می‌توانند در صورت عدم تفاهم دوجانبه در مورد تعیین مرز فلات قاره موضوع را به دیوان لاهه ارجاع کنند. وی گفت اختلافات دو کشور می‌تواند بطور مرحله‌ای و مودی حل و فصل شود.

بیانیه پایانی

در بیانیه پایانی اجلاس که شامل ۴۳ ماده است بر لزوم احترام کامل به حقوق بشر، آزادی‌های فردی و حقوق بین‌المللی از سوی همه کشورهای عضو تأکید شده و امضاکنندگان متعهد شدند برای حل درگیری‌های منطقه‌ای از طریق مسالمت‌آمیز تلاش کنند. بیانیه بر حل سیاسی بحران چین در چارچوب تمامیت ارضی روسیه تأکید کرده است. اعضای سازمان امنیت و همکاری اروپا همچنین از روند گفتگوهای اخیر در حل مساله قریب‌تر حمایت کرده و خواستار ادامه این روند شدند.

این بی‌مسئولیتی باید پایان یابد!

رشد اقتصادی در عصر سرمایه‌داری به میزان مصرف «انرژی» و مواد انرژی‌زا بستگی دارد. اما مواد انرژی‌زا «اسیدی» نیستند. ذخائر نفت بعد از ۴۳ سال، گاز ۶۶ سال و ذغال سنگ ۱۶۹ سال، البته به میزانی که هم‌اکنون مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، به پایان خواهند رسید.

در حال حاضر سوخت نفت و مشتقات آن به میزان ۳۵/۳٪، ذغال سنگ ۲۴٪، گاز ۲۰/۲٪، انرژی هسته‌ای ۶/۷٪ و مواد بیولوژیک ۱۱/۱٪ انرژی بشریت را تأمین می‌کند. انرژی مصرف‌شده حاصل از نیروگاه‌های آبی، نیروی باد و انرژی خورشیدی تنها بالغ بر ۲/۷٪ بوده است. پس‌مانده‌های حاصل از سوخت فسیلی و انرژی اتمی منجر به آلودگی اتمسفر و محیط زیست می‌گردد تولید سرانه گاز کربنیک در آمریکا ۲۰/۵، آلمان ۱۱/۵، ژاپن ۹/۳، اتحادیه اروپا ۸/۷۶، چین ۲/۶، قاره آفریقا ۹۶٪ و هندوستان ۹۱٪ تن در سال است. این بی‌مسئولیتی در قبال محیط زیست بقای کره خاک را بشدت به خطر انداخته است.

شکلات و جایگزینی مواد روغنی ارزانتر از کاکائو هستند. این یکسان‌سازی در کوتاه‌مدت، تقاضای کاکائو در بازار جهانی را به مقدار ۱۳۰ تا ۱۶۵ هزار تن کاهش می‌دهد و در درازمدت حتی به ۱۸۲ هزار تن تخمین زده می‌شود. این مقدار بطور مثال برابر واردات سالانه آلمان از مقدار ۵٪ از مواد روغنی دیگر که یک سوم ارزانتر است، استفاده کنند. اینک سایر تولیدکنندگان اعضای این اتحادیه نیز خواهان یکسان‌سازی قوانین تولید کاکائو می‌شود.

عواقب پنج درصد!

تشکیل اتحادیه اروپا به هماهنگ‌سازی قوانین در این قاره منجر گردیده است. در کشورهای نظر انگلیس، ایرلند، دانمارک، اتریش، نروژ، سوئد و سوئیس تولیدکنندگان شکلات مجازند به جای روغن کاکائو به مقدار ۵٪ از مواد روغنی دیگر که یک سوم ارزانتر است، استفاده کنند. اینک سایر تولیدکنندگان اعضای این اتحادیه نیز خواهان یکسان‌سازی قوانین تولید

کام چه کسانی از شکلات شیرین می‌شود؟

مسحوم به فروش محصول کاکائوی خود بصورت ماده خام نموده است. بطور مثال مالیات گمرکی اتحادیه اروپا بر دانه کاکائو ۳٪، خیر آن ۱۲٪ و پودر آن ۱۶٪ می‌باشد. بدین ترتیب در آفریقا تنها ۳٪ آسیا و آمریکای لاتین ۷٪ الی ۹٪ بر روی محصول کاکائو کار می‌شود و بقیه آن بصورت خام صادر می‌گردد.

● از تولید تا مصرف‌کننده

نهایی شکلات، کاکائو تا حتی ۱۶ بار نیز در بازارهای بورس دست به دست می‌گردد.

● اگر یک بسته ۱۰۰ گرمی شکلات به ۱۸ قطعه تقسیم شود ساختار بهای آن به شرح زیر است:

- یک قطعه از آن به دهقانان کاکائوکار می‌رسد،
- پنج قطعه به تجار شکلات،
- هفت قطعه به کارخانجات شکلات سازی، از این مقدار ۵٪ الی ۶٪ هزینه مواد خام مثل کاکائو، کره، شکر و شیر می‌شود.

کام چه کسانی از شکلات شیرین می‌شود؟

قوم «از تک» در حدود سال ۱۲۰۰ میلادی، از کاکائو نه تنها بعنوان مواد غذایی و نوشیدنی، بلکه بعنوان واحد ارزشی برای مبادله پایاپای استفاده می‌شد. واژه امروزی کاکائو ریشه در لغت از تکي «cacaoatl» دارد. برای نخستین بار در سال ۱۵۲۸ «فرناندو کورتز» کاکائو را با خود به اروپا آورد که توجه زیادی به آن نشد. تازه پس از افزودن شکر کوبا به کاکائو بود که در مرکز توجه قرار گرفت.

در قرن هفدهم «آنا فون هابسبورگ» نوشیدن کاکائو یا «شکلات» را در میان خانواده‌های اشرافی فرانسه «مد» کرد و در سال ۱۸۲۰ «فان هاتون» هلندی روشی را برای تهیه پودر کاکائو متداول ساخت. با آغاز انقلاب صنعتی کار بر روی کاکائو یا شکلات نیز مکانیزه شد.

اواخر قرن نوزدهم درخت کاکائو وارد آفریقا گردید و اکنون غنا یکی از بهترین صادرکنندگان کاکائو است. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ این قرن پای کاکائو به آسیا نیز رسید و مالزی اکنون ۱۰٪ کل تولید کاکائو در

در قرن هفدهم «آنا فون هابسبورگ» نوشیدن کاکائو یا «شکلات» را در میان خانواده‌های اشرافی فرانسه «مد» کرد و در سال ۱۸۲۰ «فان هاتون» هلندی روشی را برای تهیه پودر کاکائو متداول ساخت. با آغاز انقلاب صنعتی کار بر روی کاکائو یا شکلات نیز مکانیزه شد.

اواخر قرن نوزدهم درخت کاکائو وارد آفریقا گردید و اکنون غنا یکی از بهترین صادرکنندگان کاکائو است. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ این قرن پای کاکائو به آسیا نیز رسید و مالزی اکنون ۱۰٪ کل تولید کاکائو در

کشورهای جهان سوم را